خبر

داستانگویی در «متا صبا» روی موج رادیو

تولید محتوا در حوزه امنیت فضای مجازی همیشه از دغدغه‌های برنامه‌سازان تلویزیون و رادیو بوده است. بر این اساس، «متا صبا» برنامه جدید رادیو صباست که شامل بخش‌هایی ازجمله امنیت فضای مجازی، معرفی بازی‌های اینترنتی و اخبار فناوری می‌شود. تهیه‌کننده این برنامه رادیویی در گفت‌وگوی اختصاصی شبکه خبر در بخشی از سخنانش گفت: «متا امنیت»، «متا خبر»، «متا ترفند» «متا انیمیشن» و «متا بازی» از بخش‌های این برنامه است.

زهرا اسدوند درخصوص انتخاب بخش‌ها افزود: ما نیاز داریم که هر سیستم عاملی چه تصویری دارد و چطور می‌توان استفاده کرد. در دنیای فناوری یک‌سری روش‌هایی است که می‌توان سریع‌تر به آن برنامه رسید و این در «متا ترفند» گنجانده شده است که همان میانبرهاست.

وی گفت: در «متا انیمیشن» داستان‌های مختلفی ساخته می‌شود که خانواده‌ها بدون این‌که بدانند، کودکان این پویانمایی‌ها را تماشا می‌کنند. در «متا انیمیشن» به این نکته توجه شده است که چه انیمیشن‌هایی برای چه گروه سنی است و کودکان چه محدوده‌ای از اینها را تماشا کنند. همچنین در بازی‌ها، بدون آموزش این بازی‌ها را می‌بینند که اینها نیاز به آموزش و فرهنگ‌سازی دارد. برنامه «متا صبا» ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه الی ۱۴ از شنبه تا چهارشنبه روی آنتن می‌رود.

ن روایت شدند

توی جنگل

گیلسو که در روستا روزگار می‌گذراند، خدمت کند. او در این مسیر و در روزهایی که در روستا زندگی می‌کند، مجبور به کار با امکانات موجود در ده می‌شود و کم‌کم از این فضا و یکی شدن با طبیعت شبهه‌های اعتقادی‌اش رنگ می‌بازد، روحش صیقل می‌خورد و نوعی سلوک را از سر می‌گذراند.

ماجراهای دختر دریا

می‌شود گفت بسیاری از کودکان و نوجوانان دهه ۷۰ که با تلویزیون انس داشتند، خاطرات‌شان با سریال‌هایی ویژه این گروه سنی نظیر دنیای شیرین دریاگره خورده است.

سریالی به کارگردانی بهروز بقایی که ماجراهای دختری به اسم دریا و خانواده‌اش را روایت می‌کرد. این خانواده در گیلان زندگی می‌کردند و فضای سرسبز و لهجه‌های شیرین این خطه که بازیگران در اداکردن‌شان تا حد زیادی موفق بودند، کمک بسیاری به ماندگاری و شیرینی این مجموعه تلویزیونی کرد.

قاب‌های خوش شمال

پرویز امیری، تهیه‌کننده سریال «روزهای آبی» است که بخش اعظمی از قصه‌اش در شمال کشور تصویربرداری شده بود. وی در گفت‌وگو با جام‌جم درباره دلایل اقبالی که برای سریال‌سازی در شمال کشور وجود دارد، توضیح می‌دهد: یکی از مهم‌ترین دلایلش فضای خوش‌عکس شمال کشور است. به هر حال مخاطبان جاهای سرسبز را دوست دارند به‌خصوص که در شمال کشور کوه، جنگل، رودخانه و دریا کنار هم دیده می‌شود. اینها کمتر در کشور ما یک جا کنار همدیگر جمع هستند. مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، نزدیکی شمال به تهران است. این موضوع هم به سادگی رفت‌وآمد کمک می‌کند و همچنین باعث می‌شود هزینه‌های تولید کاهش یابد. امیری می‌افزاید: بستر بسیاری از قصه‌هایی که نوشته می‌شود هم می‌طلبد که در آن فضا تصویربرداری شود. به عنوان مثال ما برای سریال روزهای آبی نیاز به یک روستای بکر داشتیم که امکانات رفاهی چندانی نداشته باشد. به روستاهای شهرهای دیگر هم فکرکردیم ولی دیدیم امکان حضور در روستایی نزدیک رودبار برای‌مان بیشتر فراهم است. او بخشی از این اقبال را هم مرتبط با مسائل فرهنگی عنوان می‌کند و می‌گوید: از نظر فرهنگی هم می‌توان به چند جنبه اشاره کرد. مثلا این‌که مردم در این خطه بیشتر پذیرای گروه تصویربرداری هستند، چون به خاطر آثار زیادی که آنجا ساخته شده مردم با دوربین آشنا هستند و راحت‌تر با کارگروه تصویربرداری کنار خواهند آمد. این تهیه‌کننده با اشاره به وجود فضاهای بکر در شمال عنوان می‌کند: همچنین ساخت آثار تاریخی در فضای تهران به خصوص برای تصویربرداری صحنه‌های خارجی نسبت به شمال دشوارتر است چون بخشی از بافت بکر در آن مناطق حفظ شده و دسترسی به چنین فضاهایی راحت‌تر است.

آب و هوای پرخرج

از امیری درباره چالش‌هایی که احتمالا در کنار مزایای بیان شده می‌توان نام برد، می‌پرسیم و او پاسخ می‌دهد: البته مشکلات زیادی هم وجود دارد که یک بخش آن به آب و هوا برمی‌گردد. آب و هوای شمال کشور غیرقابل پیش‌بینی است و رطوبت بالایی دارد؛ به خصوص در فصول سرد سال در آن منطقه سرما به مغز استخوان آدم نفوذ می‌کند. در فصول گرم هم به دلیل شرجی بودن گرمای بیشتری را تجربه می‌کنیم. به همین دلیل بعضی کارگردانان در برخی فصول اصلا در آن منطقه کار نمی‌کنند چون وسایل به‌دلیل شرجی بالا رطوبت می‌گیرد. یادم است آن سالی که ما کار می‌کردیم یک متر برف آمد و کارمان را سخت کرد و همه کار را به هم ریخت. وی ادامه می‌دهد: همچنین تغییر فصل در این خطه بسیار محسوس است. برای مثال اواخر اسفند تا اوایل فروردین به یک‌باره درختان نارنجی که در پس زمینه تصویر داریم تبدیل به درختان سبز می‌شود. به همین دلیل باید سرعت تصویربرداری را بالا ببریم تا فصل را ازدست ندهیم یا بیشتر سکانس‌های داخلی را تصویربرداری کنیم. همچنین دسترسی جاده‌ای به برخی روستاها مشکل و پر از گل و لای است. ضمنا در بعضی مناطق مشکل هتلینگ وجود دارد.

گریز از کلیشه

او در مورد راهکارهایی برای گریز از کلیشه در طرح قصه‌ها در شمال کشور و تنوع‌بخشی بیشتر می‌گوید: آن خطه ویژگی‌هایی دارد که البته همین‌ها هم زیبا هستند از جمله شکل معماری خانه‌ها که با فضای آنجا عجین است. برای همین نمی‌شود تغییری در این بافت ایجاد کرد. مگر این‌که قصه‌ای را در فضای شهری و امروزی رشت یا ساری تصویربرداری کنیم. اما اگر بخواهیم در آن فضا کار کنیم، مجبوریم از آن فرهنگ، لباس، معماری و... گرته‌برداری کنیم و ایده بگیریم.

شاید یکی دیگر از راه‌های برون‌رفت از کلیشه این باشد که به سریال‌سازی در استان‌های دیگر هم بیشتر فکر کنیم تا تنوع بیشتری را شاهد باشیم. گاهی تهیه‌کنندگان برای رفتن به شهرستان‌های دیگر خیلی اقبال ندارند؛ دلایل تولیدی، دشواری گردهم آوردن بازیگران چهره در شهری دور و... را می‌توان برای چنین موضوعی متصور شد. باید توجه کنیم آثاری که در شهرهای دیگر هم داشتیم به همان نسبت با اقبال مواجه شدند.

مراکز استان‌ها فعال‌تر شوند

حسن وارسته، نویسنده بسیای از سریال‌های تلویزیونی است که برخی از آنها در شمال کشور تصویربرداری شده است. از جمله این‌که جزو گروه فیلمنامه‌نویشان سریال «پایتخت» بوده است. او در گفت‌وگو با جام‌جم دلیل تمایل بیشتر برای حضور در آن منطقه بیان می‌کند: به دلیل طبیعت سرسبز و دلنواز شمال و دریا، دسترسی به پایتخت و... تعدادی از سازندگان آثار تمایل دارند برای تنوع بخشی در کار قصه‌های‌شان را به استان‌های شمالی کشوربروند. کارگردان وقتی دوربین را در جنگل می‌گذارد به مراتب چشم‌نوازتر از بسیاری جاهاست. آبادانی، دسترسی راحت، آب و نزدیکی روستاها به همدیگر باعث می‌شود سریال‌سازی در آن منطقه سهل‌الوصول‌تر شود. شهرهای بسیاری داریم که جاذبه‌های توریستی و فرهنگی دارند اما به دلیل دور بودن از پایتخت، هزینه‌های بالای تولید و سایر عوامل مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. به نظرم این موضوع بیشتر به بخش تولید برمی‌گردد. البته ادبیات شمال کشور و داستان‌های به‌یادگار مانده از آن خطه و همچنین مردمان خونگرمش این اقبال را پررنگ‌تر می‌کند.

بسیاری از قصه‌هایی که از این منطقه به تصویر کشیده شدند، المان‌ها مشترک داشتند و همین موضوع باعث شده گاهی خلاقیت از کارگردانانی که قصه خود را به این فضا می‌برند دور شود. وارسته در این مورد راهکارهایی را بیان می‌کند و در ادامه لزوم توجه به استان‌های دیگر را یادآور می‌شود: اولین راهکار این است که برای سریال، بیشتر به شهرهای دیگر هم سر بزنند. مراکز استان‌ها برای ساختن سریال فعال‌تر شوند و با تمرکززدایی، کاری که بر گردن مرکز تهران است سبک‌تر شود.

سرمایه‌های انسانی ناشناخته

لازم است از هنرمندان بومی شهرهای مختلف بیشتر استفاده شود تا میزان کوچ و مهاجرت این دسته از هنرمندان به پایتخت کمتر شود. در صورت تمرکز هنرمندان در تهران، رقابت کاری بیشتر و جذب شدن بازیگران در یک پروژه سخت‌تر می‌شود.

در صورتی‌که اگر بازیگران در هر مرکز استان فعالیت بیشتری داشته باشند و دیده شوند خود به خود از بروز چنین معضلاتی جلوگیری می‌شود. ضمن این‌که آثار استانی فرهنگ، پوشش، قومیت، آداب و رسوم و مسائلی از این دست که مربوط به هر منطقه است را صحیح‌تر از یک فردی که خارج از این فضاست به تصویر می‌کشد و معرفی می‌کند. در نتیجه کل کشور به مخاطب داخلی و خارجی بهتر شناسانده می‌شود که این مهم تا حد زیادی برعهده رسانه است. همان‌طور که اشاره شد در این صورت اشتغال‌زایی بیشتری می‌شود و افراد حرفه‌ای و متخصص بیشتری پرورش پیدا می‌کنند.

به جای این‌که فرد با خود بگوید به اقیانوس پایتخت می‌آیم و البته ممکن است اسیر سیل شود در مرکز خود می‌ماند و در این صورت تولید، اشتغال، تفکر و خلاقیت رونق بهتری می‌گیرد. از سوی دیگر نیاز نیست هنرمندان از تهران برای تولید یک اثر به شهر دیگری بروند - مگر در موارد استثنا - بلکه ظرفیت فیلمنامه‌نویس، بازیگر، کارگردان و... در همان شهر وجود دارد که برای آن مرکز کار می‌کنند.

این فیلمنامه‌نویس درباره چالش‌هایی که برای هنرمندان هنگام خروج از تهران وجود دارد، می‌گوید: وقتی شما از شهر خود خارج می‌شوید خواسته یا ناخواسته دچار سختی می‌شوی چون بومی آنجا نیستی و به بسیاری از موارد آشنایی نداری. پیدا کردن لوکیشن سخت‌تر است. هزینه‌های تولید هم بیشتر می‌شود چون باید اسکان و خورد و خوراک گروه را در آن شهر تامین شود. همچنین باعث بی‌مهری یا حداقل کم مهری به هنرمندان آن منطقه می‌شود.

کد بالا را اسکن کنید | کد بالا را اسکن کنید | کد بالا را اسکن کنید

رویکرد

اینجا ایران است، لوکیشن زیبای شمال

جبار آذین
استاد دانشگاه و منتقد

تحول در تولید مجموعه‌هایی که به همت صداوسیمای مراکز استان‌ها تهیه و پخش می‌شوند، افزون‌بر ایجاد تحرک در میان هنرمندان شهرستانی و ایجاد علاقه و انگیزه و برنامه‌سازی توسط مدیران این مراکز، سبب توجه و عنایت ویژه مسئولان به استان‌ها و شهرستان‌ها و هنرمندان شهرستانی و اماکن تاریخی، زیبایی‌های طبیعی و مناطق گردشگری شده و استقبال خوب مخاطبان رسانه ملی از تولیدات خارج از تهران و آثار هنری به‌خصوص سریال‌های خوبی که در شهرها و شهرستان‌ها و درواقع فضاها و مکان‌های تازه و نو و بدیع ساخته می‌شوند، دست به دست یکدیگر داده تا هنرمندان و مدیران تهرانی برای تولید آثار و مجموعه‌های جذاب و دیدنی خانوادگی و اجتماعی و تاریخی، راه شهرستان‌ها را در پیش گیرند. وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی به‌عنوان یکی از حافظان شاخص میراث کشور، دست همکاری و یاری مدیران سیما و هنرمندان را فشرده و با همکاری شایسته، شرایط را برای تولید سریال‌های خوب و تماشایی در شهرها و استان‌ها هموار کرده است. سال‌ها بود که بخش فراوانی از تولیدات سریالی تلویزیون، عمدتا در مکان‌های ثابت و تکراری تهیه و تولید می‌شد. ساختن دکورهای جدید هم برای رفع دلزدگی مخاطب از اماکن تکراری، چاره‌ساز نبود و سیل تولید سریال‌های آپارتمانی، به‌راستی آزاردهنده شده بود.

از همین رو، مسئولان و مدیران سیما، تصمیم گرفتند در این عرصه، تحول‌آفرینی کرده و ساخت مجموعه‌های داستانی و مستند را به سراسر کشور گسترش دهند و علاوه بر کارشناسان و متخصصان پایتخت‌نشین از هنرمندان و کارشناسان شهرستانی و استانی هم بهره برند و با استفاده از مکان‌ها و مناطق و فضاهای جدید، آنها را بستر داستان سریال‌ها قرار دهند.

با این اقدام مهم رسانه‌ملی هم طیف‌هایی از مدیران و هنرمندان استانی بیشتر فعال شده و معرفی می‌شدند و هم این‌که مخاطبان سریال‌های سیما، داستان‌های خوب مجموعه‌ها را با توجه به جغرافیا و فرهنگ و تاریخ و آیین‌ها و سنت‌های محلی و بومی و قومی در راستای عنایت به فرهنگ و هنر ملی و سبک زندگی ایرانی و اسلامی در نقاط مختلف کشور به تماشا می‌نشستند.

تاکنون ده‌ها سریال خوب و موفق در مراکز استان‌های کشور، از اصفهان و شیراز و قزوین گرفته تا اهواز و آبادان و خراسان تهیه و تولید و پخش شده که اغلب با رضایت بینندگان همراه بوده است. خطه سرسبز و تماشایی و پرنعمت شمال کشور از دیرباز در صدر توجه فیلم و مجموعه‌سازان در سینما و تلویزیون قرار داشته و بخش بسیاری از آثار و سریال‌های موفق تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و هنری در سرزمین عطر و شکوفه و آبی‌های دریای شمال ساخته و تصویرسازی شده است. طبیعت و فرهنگ و تاریخ و مناسبات اجتماعی، طی سال‌ها، جغرافیا و لوکیشن مجموعه‌های تلویزیونی فراوان بوده که هرکدام با توجه به مضمون و محتوا و ساختار این سریال‌ها در زمان پخش، با استقبال روبه‌رو بوده‌اند. مجموعه تلویزیونی «کوچک جنگلی» ساخته بهروز افخمی به‌دلیل این‌که شخصیت‌های اصلی و رخدادهای تاریخی آن متعلق به تاریخ جنگل و شمالند، در شمال ایران به تصویر کشیده شدند.

بخش‌هایی از وقایع مرتبط با حماسه جنگلی‌ها در سریال خوب «در چشم باد» ساخته ماندگار مسعود جعفری جوزانی در شمال ایران به تصویر درآمدند. فریدون حسن‌پور، نویسنده و کارگردان سینما و تلویزیون دو مجموعه دیدنی خود به نام‌های «از یاد رفته» و «گذر رنج‌ها» را در شمال به قاب تصویر سیما کشید. سریال بسیار زیبای «پس از باران» به کارگردانی سعید سلطانی، داستان‌ها و ماجراهای خود را در روستاهای شمال، بازسازی کرد. سریال پرمخاطب و جذاب «پایتخت» کار دیدنی سیروس مقدم، مازندران را بستر بازگویی و روایت داستان‌های خود قرار داده بود. احمد معظمی، قصه‌های سریال خود «جاده چالوس» را در جاده چالوس بازسازی کرد. همچنین بهروز بقایی «دنیای شیرین دریا» را با خاطراتی ماندنی به سال ۱۳۷۷ در شمال زیبا ساخت. «آواز مه» به کارگردانی حسینعلی لیالستانی با بازی خوب و تماشایی زنده‌یاد خسرو شکیبایی در شمال تولید شد. و این همه به معنای ضرورت توجه و استفاده از روستاها، شهرها و شهرستان‌های تاریخی با جلوه‌های درخشان فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان ظرف‌های هنری برای تولید سریال‌های قوی و غنی ایرانی در همه جای ایران از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب است و در راس آنها همچنان شمال رازآلود و شگفت‌انگیز و جذاب ایستاده است. اکنون چند ماه است که شب‌های پنجشنبه و جمعه، مخاطبان میلیونی رسانه‌ملی، یک‌بار دیگر شاهد تماشای یک سریال عاشقانه اجتماعی و خانوادگی و تاریخی که وقایع آن در دوران قاجار رخ می‌دهد، در روستاهای شمال کشور هستند. سریالی که در کنار امتیازهای فراوان هنری و ساختاری و محتوایی و بازی‌ها و کارگردانی خوب از لوکیشن شمال به‌درستی و دلنشین استفاده کرده و تصاویری دیدنی از مناطق مختلف شمال را به تماشا گذاشته است. به گواه واقعیت‌ها و تاریخ و زیبایی‌ها و قومیت‌ها، همه جای ایران بزرگ و پرافتخار، تماشایی است و بهره‌گیری مناسب از آنها در تولید آثار نمایشی و سریال‌های تلویزیونی به معنای ثبت تاریخی آنها و ارائه ویترینی چشم‌نواز و جذاب و دیدنی از ایران اسلامی به ایرانیان و جهانیان است.

مکث

جاده چالوس

تاکنون مجموعه‌های بسیاری با حال‌وهوای شمال تصویربرداری شده است. از جمله این مجموعه‌ها که رنگ و بوی شمال را داشت، «جاده چالوس» بود که احمد معظمی آن را کارگردانی کرده است. این مجموعه در سال ۱۳۹۳ از شبکه پنج سیما روی آنتن رفت. از جمله بازیگران مجموعه فوق می‌توان به بیژن امکانیان، فاطمه گودرزی، مرحوم سیروس گرجستانی، ابوالفضل همراه، حدیث فولادوند و سعید پیردوست اشاره کرد. قصه این سریال مربوط به مرد ثروتمند در آستانه ورشکستگی بود که به‌دلیل هزینه‌های بالای خانواده خود نمی‌تواند کار خود را پیش ببرد. در همین زمان یک رستوران متروکه در شمال کشور به‌عنوان ارث به همسر این مرد می‌رسد. محبوبه همسرش و خانواده را راضی به رفتن به شمال و اداره این رستوران برای سر و سامان دادن دوباره به زندگی‌شان می‌کند. این مجموعه با رنگ و نمایی از شمال کشور بود که باعث شد مخاطبان بسیار را با خود همراه کند و از نظر بصری هم برای بسیاری از تماشاگران جذاب باشد. جاده چالوس مثل بسیاری از سریال‌های دیگر، لوکیشن خود را در شمال گذاشته بود تا تصاویر زیباتری تقدیم نگاه مخاطبان شود.

کیوآرکد را اسکن کنید

درنگ

زیر سایه بلند افرا

افرا، یکی از سریال‌هایی که بخش اعظمی از قصه‌اش در خطه سرسبز شمال و در شهرهای لاهیجان، آستانه‌اشرفیه، لنگرود و رشت تصویربرداری شده است. در این سریال شاهد قاب‌هایی زیبا و سبز بودیم و قصه مسعود، محیط بانی را روایت می‌کرد که با اصرار پدرش، حاج محمود با دخترعمویش ازدواج کرده همواره با او در ستیز است و به همین دلیل تصمیم به جدایی دارد. در این میان مسعود در جریان انجام وظیفه در دل طبیعت به شکارچی‌های غیرقانونی شلیک می‌کند و همین تیراندازی باعث آسیب‌دیدن یکی از شکارچی‌ها می‌شود. این شکارچی و مسعود برای عمل جراحی به بیمارستانی منتقل می‌شوند که مهتاب در آن کار می‌کند و همین اتفاق باعث شکل‌گیری یک سری مشکلات بزرگ برای خانواده فروزش می‌شود و... این سریال سال ۱۴۰۰ در ۳۸ قسمت به کارگردانی بهرنگ توفیقی و تهیه‌کنندگی محمدکامبیز دارابی و مجید مولایی از شبکه یک سیما پخش شد. مهدی سلطانی سروستانی، روزبه حصاری، مینا وحید، پژمان بازغی و... بازیگران سریال هستند.

کیوآرکد را اسکن کنید

سکانس

ماجراهای خانواده دکتر ماهان

«از منظر دکتر ماهان که یک دامپزشک است، زندگی یک راه نرفته و ناشناخته است، از همین رو امیر عطش و التهابی دارد تا همسر و فرزندان نوجوانش را با خود در ماجراجویی شنیدن نوای اسرارآمیز طبیعت و پاسداری از زیست‌بوم همراه کند.» این خلاصه‌ای از سریال خانواده دکتر ماهان است که در شمال کشور مقابل دوربین رفت و سال ۹۸ پخش شد.

کیوآرکد را اسکن کنید